

● صدای شرق

● شماره ۱ - ۲۰۰۷ - ۱۴۳ صفحه

شماره اول سال ۲۰۰۷ مجله صدای شرق، نشریه ملی ادبی اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، در ژانویه سال جاری میلادی در شهر دوشنبه منتشر شد. با احتساب تاریخ انتشار اولین شماره مجله در سال ۱۹۲۷، صدای شرق امسال ۸۰ ساله شده است. ما نیز ۸۰ سالگی مجله را به سرمحرر (سردبیر)، هیئت تحریریه و دیگر دست‌اندرکاران این مجله وزین تبریک و تهنیت می‌گوئیم و ادامه انتشار پربارتر آن را آرزو می‌کنیم. مطالب این شماره با شعرهایی از «محمد غائب» شاعر معاصر تاجیکستان آغاز می‌گردد. اولین شعر او «وطن را دوست دارم» نام دارد که بخشی از ابیات این شعر چنین است:

«وطن آنجاکه پهنای جهان در نسبتش تنگ است،
کف خاکش همه زر هست و خارش نیز گلرنگ است.
چو صوت بلبش آواز طاووسش خوش آهنگ است،
همه حرف حدیث‌اش آب چشم مهر پر ننگ است.
ز گمنامی فقط، سنگ وطن گورم نگه دارد،
همه جان‌کندن روز و شب من بهر این سنگ است.
خودم را صاحب ملک کهن را دوست می‌دارم،

وطن را دوست می دارم، وطن را دوست می دارم.

رستم وهاب‌نیا، ملک نعمت، دلارام و احمد حسن‌زاده از دیگر شعرایی هستند که برخی از اشعار آنان در این شماره از مجله به چاپ رسیده است. از دیگر مطالب چاپ شده در مجله، رمانی است به نام «شاهنشاه» از بهمنیار که نزدیک به ۹۰ صفحه از حجم مجله را به خود اختصاص داده است. دو داستان از ظریف غلام و احسان عبدالقدوس - که نویسنده‌ای مصری است - و مطالبی با نام «راه رشد اقتصادی کشور» از خال نظر محبت‌اف، «پیوندگری نسل‌ها» از صلاح‌الدین فتح‌الله یف، «استاد عینی و شناخت احمد دانش» از سبحان امیرقل‌اف، «مرگ فرهاد در منظومه‌ها» از محمدرضا تاج‌الدینی و داستان کوتاه طنزی به نام «چرا سیاه گلکی ام؟» از عبدالرئوف مرادی و «سرگذشت امین آل محمد یا سرنوشت نابغه انقلاب خراسان» از لقمان بایمتف، از دیگر آثار چاپ شده در این شماره صدای شرق هستند.

سرگذشت امین آل محمد یا... از لقمان بایمتف، پژوهشی فشرده، اما قابل توجه است که به برآمدن ابومسلم خراسانی، سردار نامی ایرانی، زندگی و کارهای او تا زمان مرگ و جایگاه و اهمیت نهضت او پرداخته است.

● صدای شرق

● شماره ۲ - ۲۰۰۷

در این شماره از صدای شرق نیز مطالبی در قالب نظم و نثر به چاپ رسیده که برخی از آن‌ها ترجمه است. شعرهایی از: نظام قاسم، علی باباجان و دانه بهرام، قصه‌ای به نام «سری دارم اندر دل...» از جمال‌الدین تاش متوف، داستانی به نام «سرگذشت روزبه پس از مرگ آرش» از یونس یوسفی، «پیرکمپیر» از عبدالغنی غنی‌زاده، «سرنوشت سیاح روس و روزنامه او» که نویسنده‌اش الکسی پاولوویچ فدچنکو است و توسط مرتضی قهاروف و عبدالولی دورانف است.

یکی دیگر از مقالات این شماره مجله، مقاله‌ای است از نویسنده، پژوهشگر و ادیب سرشناس کشورمان، دکتر محمد علی اسلامی ندوشن به نام «خیام و فردوسی» که در بیش از ۴۰ سال پیش در شماره‌های ۲۱۵، ۲۱۶ و ۲۱۷ از سال نوزدهم مجله یغما در سال ۱۳۴۵ خ به چاپ رسیده و به همت عزیزقل نسیم‌اف در صدای شرق به چاپ رسیده است.

از دیگر مقالات در خور توجه این شماره از صدای شرق، مقاله‌ای است از میرزا



• مسعود عرفانیان (عکس از شهاب دهباشی)



شکورزاده به نام: «همزیستی ترک و تاجیک از نگاه عارفان پارسی‌گوی» که نویسنده مقاله از موضعی منطقی و نگاهی انسان‌دوستانه به موضوع نگرسته و بر جنبه‌های مثبت آن اشاره نموده است. آخرین مقاله مجله «زن - مادر و جایگاه او در اسب‌شاهنامه» نام دارد که نویسنده اش نوروز سرکاروف است. مطالب کوتاهی تحت عنوان «طرفه‌ها» که از مآخذی چون تاریخ ادبیات در ایران، مجله وحید و تاریخ فخری نقل شده‌اند مطالب پایانی مجله هستند. عکسی از عبدالملک بهاری نویسنده معروف تاجیک و برنده جایزه دولتی رودکی و نیز اورون کوهزاد، دیگر نویسنده تاجیک که او نیز برنده جایزه دولتی رودکی شده است در دو صفحه داخلی جلد مجله به چاپ رسیده که اولی هشتاد ساله و دومی هفتاد ساله شده است. چیزی که نشان از توجه تاجیکان به اهل فرهنگ و دانش خودشان دارد و حق‌شناسی آنان نسبت به فرهیختگان میهن‌شان را در زمان زنده بودن آنان می‌رساند. ما نیز به سهم خود برای این دو دوست نادیده، ولی یکدل و همزبان آرزوی تندرستی و شادکامی می‌نمائیم.

● اصطلاح و اصطلاح سازی در زبان علمی تاجیکی

● پیر محمد نوروف

● زیر نظر دکتر علوم فیلولوژی: س. نظرزاده

● دوشنبه ۲۰۰۶ / ۲۲۵ صفحه

این کتاب که از سوی شورای علمی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان به چاپ رسیده است، پیرامون شکل‌گیری و دگرگونی زبان علمی تاجیکی است و مسایل، وظایف، دشواری‌ها و ویژگی‌های عمومی و لغوی زبان ادبیات علمی - تکنیکی را تحلیل و ارزیابی می‌کند. در این اثر قواعد ساخت واژه، معیار پذیرش و شرایط انتخاب اصطلاحات روز فیزیک در زبان تاجیکی، علوم دقیقه و طبیعت‌شناسی بررسی شده است.

کتاب با جمله‌ای از امام‌علی رحمانف، رئیس جمهور تاجیکستان شروع می‌شود: «ایجاد و احیای زبان علمی تاجیکی از جمله وظیفه‌های مهم‌ترین محققان و ضیائیان جمهوری است.»^{۱*} که نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای مسئولان تاجیکستان است.

● به دلیل ندانستن نام کوچک نویسنده که به خط سیریلیک با حرف "C" مشخص شده، شروع این نام می‌تواند با یکی از سه حرف «ت»، «س» و «ص» باشد.

● این عین جمله است که در آن دست برده نشده، اما در واقع باید «مهم‌ترین» پیش از «وظیفه‌های» قرار بگیرد. ضیائیان نیز همان روشنفکران است.

Пирмухаммад Нуров

ИСТИЛОҲ ВА ИСТИЛОҲСОЗӢ
ДАР
ЗАБОНИ ИЛМИИ ТОЧИКӢ



پښو، شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرېنډي
پرتال جامع علوم انساني

Душанбе - 2006

بررسی «تاریخ مختصر تشکل زبان علمی تاجیکی» بحثی است که به جای پیشگفتار ارایه شده است و پس از آن باب اول کتاب با بحث پیرامون «خصوصیت‌های علمی و لغوی زبان علم» ادامه می‌یابد. «اسلوب علمی و خصوصیت‌های لغوی آن در زبان تاجیکی» در باب دوم بررسی گردیده است. باب سوم که: «اصطلاح و اصطلاح سازی در زبان علمی تاجیکی» نام گرفته، به شکل‌گیری و دگرگونی این مبحث در زبان تاجیکی پرداخته و از اصطلاح سازی به عنوان یکی از راه‌های غنی نمودن زبان در این باب یاد شده است. باب چهارم «قاعده‌های ساختن اصطلاحات فیزیکی در زبان تاجیکی» نام دارد و به طور خاص پیرامون همین موضوع به بحث پرداخته است و در آن موضوع مهم تأثیر زبان روسی که به عنوان زبانی که بیشترین ترجمه از روی آن به تاجیکی انجام شده و تأثیر خود را بر زبان تاجیکی گزارده، مورد بحث قرار گرفته است. در این بخش مؤلف نمونه‌هایی از ترجمه‌های نادرست و غیردقیق را گردآورده و صورت درست آن‌ها را در مقابلشان قرار داده است. آنگاه درباره وظایف جاری، وظایف نظری، وظایف عملی و وظایف آینده در این باره پیشنهادهایی شده است. فهرستی از برابره‌های تاجیکی واژه‌های روسی مورد استفاده در کتاب از سوی مؤلف ارایه شده و در پایان نیز فرهنگ مختصر اصطلاحات فیزیک از روسی به تاجیکی چاپ گردیده که نزدیک به ۳۰۰۰ واژه را در خود جای داده است. در تألیف این فرهنگ مختصر از ۱۴۳ کتاب استفاده شده که نام همه آن‌ها جداگانه در کتاب نوشته شده است.

اگرچه این کوشش تاجیکان را باید ارج نهاد و ستود، اما با همه کوشش‌های این عزیزان هنوز بسیاری از برابرگزیده‌های تاجیکی واژه‌های روسی در این فرهنگ، غیرفارسی است. این می‌رساند که تاجیکان هنوز در ابتدای راه هستند و مشکلات دشواری‌هایی پیش رو دارند. اما همکاری، هم‌فکری و سود جستن از تجارب نظری و عملی دوستان و فرهیختگان ایرانی که بیش از هفت دهه در این زمینه تجربه دارند، می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات آنان باشد.

● آریایی سرود (منتخب اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی)

● به‌کوشش و انتخاب: محمد جعفر رنجیر؛ ویراستاران: جوهره بیگ نذری - مباشر

اکبرزاده

● ناشر: حکومت ناحیه رودکی، دوشنبه ۲۰۰۶

● تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / ۱۵ + ۳۰۵ صفحه

سال ۱۳۸۵ خ. یکصدمین سالروز تولد استاد خلیل‌الله خلیلی، شاعر بزرگ و سرشناس افغانستان بود. به همین مناسبت محمد جعفر رنجبر کارمند انستیتوی شرقشناسی و آثار خطی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان و مؤسس و مسئول کتابخانه استاد خلیلی به نشر این کتاب همت نمود. خلیلی از پارسی‌گویان نام‌آوری بود که بسیاری از اساتید برجسته زبان و ادبیات فارسی و خداوندگاران شعر و سخن‌دري، جایگاه والای او را نیک می‌شناختند و برای او و شعرش ارزش بسیاری قایل بودند.

درباره جایگاه ممتاز و زبان فاخر شعر او کافی است تا به بخش‌هایی از گفته‌های دو تن از نامدارترین ادیبان معاصر یعنی زنده‌یادان بدیع‌الزمان فروزانفر و سعید نفیسی نگاهی بیاندازیم که از مقالات این هر دو عزیز که در این مجموعه به چاپ رسیده برگزیده شده است:

سعید نفیسی درباره خلیلی نوشته: «خلیلی از سراینندگان توانای چیره‌دست روزگار است. قصیده وی در آن اوج بلاغت است که کمتر کسی را دسترسی به آن هست. هر کلمه آن احاطه وی را در ادب هزار ساله زبان دری می‌رساند.» (ص ۱۱). استاد فروزانفر نیز گفته: «استاد خلیل‌الله خلیلی یکی از سخن‌سرایان و دانشمندان عصر حاضر است و بی‌گمان وی را می‌توان در عداد شعرای سخن‌دان و سحرکار این روزگار محسوب داشت» (ص ۲۵۷).

نزدیک به ۱۸۰ قطعه شعر که از میان شعرهای خلیل‌الله خلیلی گزیده شده و در قالب‌های مثنوی، قصیده، غزل، ترکیب‌بند، قطعه، دوبیتی و رباعی سروده شده در این کتاب به چاپ رسیده است. افزون بر سعید نفیسی و فروزانفر، عبدالرحمان پژواک، رجبعلی قدرت‌اوف، شریف حسین قاسمی، برژی بیچکا، سعید مختوم رهین، مؤمن قناعت، عسکر حکیم، فریدون جنیدی، گلرخسار، سرور مولایی، خدای شریف اوف، ناصر سرمدی پارسا (سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان) و علی موسوی گرمارودی از دیگر کسانی هستند که در این مجموعه، شعر و مطلبی از آنان به چاپ رسیده است.

در کتاب عکس‌هایی که خلیلی را در میان مشاهیر فرهنگ و ادب ایران، افغانستان، تاجیکستان و دیگر کشورها که در راه اعتلای فرهنگ و ادب ایرانی کوشیده‌اند، نشان می‌دهد به چاپ رسیده است که متأسفانه کیفیت مطلوبی ندارد. عکس‌هایی از: بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، باباجان غفوروف، عبدالغنی میرزایف، میرزا تورسون‌زاده، گویا اعتمادی، علامه اقبال لاهوری، محمود فرخ، صادق سرمد، عبدالحی

Халидуллоҳ Халилӣ



۲۸۵

ОРЕИСУРУД

حبیبی، یرزی بچکا و... که بسیاری از آنان دیگر در میان ما نیستند.

خلیلی نیز همانند بسیاری از میهن‌دوستان، دل در گروی مهر به میهن و زادگاه خویش داشت، برای سربلندی آن زیست، سرود و با سلاح قلم به پیکار علیه متجاوزان به خاک نیاکانش برخاست. او در سال ۱۹۸۷ م / ۱۳۶۶ خ دور از خانه و کاشانه چشم از جهان فرو بست.

در زیر سه رباعی از خلیلی را که حال و هوای میهنش در آن بازتاب یافته می‌خوانیم:

«زیبا و ظم، جنت دنیا و ظم،
ای غرقه خون و اشک تنها و ظم
من جز تو دگر نام نیارم بر لب،
ای وا و ظم، وا و ظم، وا و ظم.» (ص ۲۵۱).

«کشتند بشر را که سیاست این است،
کردند جهان تبه که حکمت این است.
در کسوت خیرخواهی نوع بشر
زادند چه فتنه‌ها، مهارت این است.» (ص ۲۵۲).

«این کینه‌وران باز به نیرنگ دگر،
دارند سر فتنه به آهنگ دگر.

فریاد که این شعبده بازان هر روز،
خواهند به نام آشتی جنگ دگر.» (ص ۲۵۳).

● مکاتبه [مکاتبات] صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی

● آماده کننده برای چاپ و نویسنده توضیحات: خورشیده آتاخانوا

● ویراستار: شهاب‌الدین شجاع

● دوشنبه، «دیوشتیج» ۲۰۰۳، ۱۴۰ صفحه

صدرالدین عینی و ابوالقاسم لاهوتی هر دو زندگی پرماجرایی داشتند، پر از فراز و نشیب و سرشار از رویدادهای شیرین و تلخ، اما یک هستی پر بار و غرورآفرین. آنان دو نماینده برجسته و از پایه‌گذاران ادبیات نوین تاجیکستان هستند. یکی از ایران و دیگری از تاجیکستان، اما هر دو شیفته فرهنگ و ادب نیاکان خویش، یعنی فرهنگ و ادب ایرانی

و یا به گفته دوستان تاجیکی فرهنگ و ادب فارس - تاجیک. یکی در نثر و دیگری در نظم به فعالیت و خلاقیت پرداختند، اما هر کدام به مرز اختصاصی آن دیگری نیز قدم نهاد و طبع آزمایی نمود.

لاهوتی از آن هنگام که ایران، سرزمین نیاکان و زادگاه مادری خویش را ترک نمود و به شوروی پناهنده شد تا زمانی که در آن کشور بود، به ارج و مقامی والا در حوزه ادبیات دست یافت.

کتاب حاضر مجموع مکاتبات میان این دو نفر است. به نوشته خورشیده آتاخانوا، گردآورنده مجموعه، اصل این نامه‌ها در «انستیتوی زبان و ادبیات رودکی» آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان محفوظ است که منتخبی از آن برای نخستین بار در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسید. ولی در این چاپ نامه‌هایی که در سال‌های ۳۸ - ۱۹۳۷ میان این دو ادیب رد و بدل شده و بازتاب رویدادهای آن سال‌ها در نامه‌ها دیده می‌شود به چاپ نرسیده بود. اما در این چاپ - چاپ دوم - آن نامه‌ها، که دو عدد از مهم‌ترین آن‌ها را در سال ۱۹۸۸، محمد عاصمی در روزنامه تاجیکستان ساویتی به چاپ رسانده بود، یکجا گنجانده شده است.

۸۷ نامه که پاره‌ای از آن‌ها بسیار کوتاه و بیش از چند سطر نیست تا نامه‌هایی در حد چند صفحه در کتاب به چاپ رسیده و نامه‌ها براساس تاریخ نگارش در کتاب مرتب شده‌اند. نخستین نامه در سال ۱۹۲۷ نوشته شده و آخرین نامه تاریخ‌دار نیز سال ۱۹۵۳ م از مسکو و از سوی لاهوتی برای عینی فرستاده شده است. سرسخنی هم از زنده‌یاد محمد عاصمی رئیس پیشین آکادمی علوم تاجیکستان که متأسفانه قربانی خشونت‌های جنگ داخلی تاجیکستان شد و با تیر جهل و نادانی از پای درآمد بر کتاب افزوده شده است. در پایان کتاب هم توضیحاتی از گردآورنده، پیرامون پاره‌ای از نام‌ها و موارد مبهمی که در نامه‌ها وجود داشته ازایه گردیده است. کتاب به زبان فارسی و الفبای «سیریلیک» به چاپ رسیده است.